



doi: 10.30497/ies.2024.245961.2213



Received: 2024/04/07

Accepted: 2024/07/27

A comparative study of the integrated tax-support system and the method of taxation and support payments in Islam

Seyed Ahmad Ameli[□]

Iman Rafiei^{□□}

Abstract

The integrated tax-support system indicates a model of the tax system that is related to the support system and entails informational and operational synergy. Since the examination of the relationship between the integrated model and the Islamic model has its own dimensions and requirements, by comparing the characteristics of the integrated system with the various sources of Bait al-Mal in the beginning of Islam, only the "relative compatibility" of the integrated tax-support system with the total of taxation methods and support payments in Islam is seen; This means that for some methods, there is a complete adaptation of the characteristics, and for some other methods, only some components of the integrated system can be deduced from the Islamic tax system. The results of this research show that the integrated tax-support system has characteristics such as determining the threshold of tax debt, collecting taxes from the rich, the existence of tax exemptions conditional on income, paying subsidies to the needy and financing support programs through the taxes channel, which are part of the taxation methods of Zakat and Khums are in full compliance with them and the methods of kharaj, zakat of property, the other part of khums and jizya have confirmed some of those features and have no basis for opposing others. In the meantime, the financing of welfare programs from taxes is only a characteristic of the integrated system, which can be seen in the consumption of various resources of the Bait al-Mal.

Keywords: Tax, Assistance, Integrity, Islam.

JEL Classification: B59, H25, H53

□ Assistant professor, Faculty of economics, Kharazmi University, Tehran, I.R.Iran
(Corresponding author).

ameli@khu.ac.ir

0000-0003-3347-9735

□□ Corresponding author, PhD in Philosophy of Islamic Economics. Imam Khomeini
Research Educational Institute, Qom, I.R.Iran.

i.rafiei.p@gmail.com

0009-0008-4380-6414

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۶۹۹-۷۳۰

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۴ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶

مطالعه تطبیقی نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی و روش مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام^۱

سیداحمد عاملی*

ایمان رفیعی**

چکیده

نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی حاکی از الگویی از نظام مالیاتی است که با نظام حمایتی مرتبط بوده و هم‌افزایی اطلاعاتی و عملیاتی را در پی داشته باشد. از آنجاکه بررسی ارتباط میان دو الگوی یکپارچه و الگوی اسلامی، ابعاد و الزامات مخصوص خود را دارد، با مقایسه مشخصه‌های نظام یکپارچه با انواع منابع بیت‌المال در صدر اسلام، تنها «انطباق نسبی» نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی با مجموع روش‌های مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام دیده می‌شود؛ به این معنا که نسبت به برخی شیوه‌ها، انطباق کامل مشخصه‌ها وجود دارد و نسبت به برخی شیوه‌های دیگر، تنها بعضی مؤلفه‌های نظام یکپارچه از شیوه مالیات‌ستانی اسلام قابل استنباط هستند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی مشخصه‌هایی چون تعیین آستانه بدهی مالیاتی، اخذ مالیات از ثروتمندان، وجود معافیت‌های مالیاتی مشروط به درآمد، پرداخت یارانه به نیازمندان و تأمین مالی برنامه‌های حمایتی از کانال مالیات‌ها را داراست که روش‌های مالیات‌ستانی زکات ابدان و خمس ارباب مکاسب با آن‌ها انطباق کامل دارند و روش‌های خراج، زکات اموال، خمس امور حیازتی و جزیه برخی از آن مشخصه‌ها را تأیید کرده و نسبت به برخی دیگر مخالفت مبنایی ندارند. در این میان تأمین مالی برنامه‌های رفاهی از محل مالیات‌ها، تنها مشخصه‌ای از نظام یکپارچه است که در وجوه مصرف انواع منابع بیت‌المال دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: مالیات، نظام حمایتی، یکپارچگی، اسلام.

طبقه‌بندی JEL: B59, H25, H53

۱. این مطالعه با حمایت پژوهشکده امور اقتصادی انجام شده است.

* استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

ameli@khu.ac.ir

0000-0003-3347-9735

** دکترای فلسفه اقتصاد اسلامی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، قم، جمهوری اسلامی

ایران (نویسنده مسئول).

i.rafiie.p@gmail.com

0009-0008-4380-6414

مقدمه

دولت اسلامی در راستای تأمین منابع لازم برای انجام وظایف حاکمیتی خود، مجاز و حتی ملزم به جمع‌آوری وجوهای از جامعه مسلمین است. از این رو منابعی چون زکات، خمس، جزیه و خراج تعیین گردیده‌اند تا منابعی جهت تأمین هزینه‌های دولت به حساب آیند.

از طرفی اقامه عدل در جامعه جزو مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی به‌شمار می‌رود که از مصادیق آن عدالت اقتصادی و تأمین سطح رفاه و معیشت مناسب برای مردم است. به همین سبب سیاست‌های بازتوزیعی از همان ابتدا مورد توجه شرع بوده و بخشی از درآمدهای حاصل، به رفع نیاز اقشار کم‌درآمد جامعه اختصاص داده شده است.

امروزه نیز توجه به دولت رفاه سبب گردیده نظام‌های مالیاتی نوین به‌گونه‌ای شکل گیرند که با شناسایی اقشار نیازمند، به کمک بخشی از درآمدهای مالیاتی نیاز آن‌ها را با برنامه‌های حمایتی مختلف برطرف سازند. این برنامه‌های حمایتی اغلب از الگویی پیروی می‌کنند که در آن شناسایی ثروتمندان و نیازمندان در یک فرایند انجام می‌گیرد و باتوجه به منابع درآمدی محدود دولت، تأمین منابع این برنامه‌ها از مالیات‌ها صورت می‌گیرد. به این ترتیب خانوارها در سه دسته درآمدی جای می‌گیرند که باتوجه به خط معافیت مالیاتی، یا فقط مالیات پرداخت می‌کنند، یا فقط یارانه (مالیات منفی) دریافت می‌کنند و یا بر روی خط قرار می‌گیرند و نه مالیاتی پرداخت می‌کنند و نه یارانه‌ای دریافت می‌کنند.

بررسی انطباق این الگو با الگوی اقتصادی اسلام و پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان روش مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اقتصاد اسلامی را با الگوهای نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی منطبق دانست، موضوعی است که در این مقاله بررسی خواهد شد؛ در صورتی که نظام یکپارچه با نظام مالیات‌ستانی اسلامی دارای تضاد نباشد و از طرف شارع، نهی خاص یا عام برای آن یافت نشود بلکه مشخصه‌های آن کمابیش در تأمین مالی دولت اسلامی در صدر اسلام نیز وجود داشته باشد، می‌تواند مجوزی برای به‌کارگیری آن در جوامع اسلامی باشد.

از باب انسجام محتوایی و ارتباط درونی اجزاء نظام یکپارچه و شیوه‌های

مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام، ابتدا مجموعه مشخصه‌های نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی طرح می‌گردد و سپس مطالعه تطبیقی انجام می‌شود. از این‌رو در ادامه، پیشینه بحث مطرح شده، بعد از آن مفهوم نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی بررسی شده، در ادامه مشخصه‌های آن بیان گردیده و سپس الگوی مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام به‌طور مجزا بررسی و در نهایت بررسی تطبیقی و نتیجه‌گیری به‌صورت نظری فارغ از جنبه‌های امکان‌پذیری عملیاتی شدن آن‌ها انجام خواهد شد.

۱. بررسی پیشینه پژوهش

مطالعات کمی در خصوص یکپارچگی نظام مالیاتی رفاهی در داخل انجام شده که به برخی از آن‌ها و برخی از مطالعات انجام‌شده توسط محققان خارجی اشاره می‌شود. توکلی و بحرینی (۱۳۹۴)، به تمایز مالیات‌های حمایتی و خدماتی در نظام مالیاتی اسلام توجه کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که در فلسفه و کارکرد این دو نوع مالیات تفاوت وجود دارد و این امر منجر به تفاوت در تجهیز و تخصیص آن دو نوع مالیات می‌شود. مالیات‌های حمایتی عمدتاً به‌صورت حق فقرا در اموال ثروتمندان مطرح می‌شوند و مکلفان با پرداخت آن، حق دیگران را ادا می‌کنند ولی مالیات‌های خدماتی به‌عنوان هزینه خدمات دولت برای عمران و مدیریت اجرایی جامعه می‌باشند و برای خدماتی که دولت برای شهروندان فراهم می‌کند، دریافت می‌شوند. زکات اموال، زکات فطره، سهم سادات از خمس، زکات مستحب و خراج از مصادیق مالیات‌های حمایتی و سهم امام از خمس، جزیه، فیه و مالیات حکومتی از مصادیق مالیات‌های خدماتی برشمرده شده‌اند.

شریف‌زاده و بهرمن (۱۳۹۹)، به ارزیابی تطبیقی درآمد پایه همگانی و تضمین حد معیشت در اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند و اذعان می‌دارند اعطای درآمد پایه همگانی به‌عنوان اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر در چهارچوب نظام مالیات بر مجموع درآمد، با موازین اقتصاد اسلامی انطباق دارد و می‌تواند با کمترین هزینه، حداقل درآمد را برای همه شهروندان، نه فقط افراد تحت پوشش سازمان‌های حمایتی تضمین کند. در عین حال،

درآمد پایه همگانی، اگر به صورت پرداخت به همه افراد جامعه اجرا شود، به دلیل همگانی بودن نمی تواند از روش های اجرای نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی باشد.

بهرمن (۱۴۰۱)، طی گزارشی به نحوه ارتباط نظام مالیات بر مجموع درآمد با نظام یارانه ها پرداخته است. این گزارش ضمن تبیین ضرورت نظام یارانه ها با مالیات بر مجموع درآمد، الگوهای اتصال نظام یارانه ای و مالیاتی را بیان می کند که بر اساس آن الگوی مالیات بر درآمد منفی، الگوی اعتبار مالیاتی درآمد کار، الگوی اعتبار پایه برگشت پذیر و الگوی مالیات هموار / درآمد پایه، چهار الگوی یارانه های نقدی متصل به نظام مالیات بر مجموع درآمد هستند که دو مورد اول، هدفمند و دو مورد دوم، همگانی به حساب می آیند. نتایج این گزارش بیان می کند یکی از آسیب های نظام پرداخت یارانه در ایران، عدم ارتباط آن با نظام مالیاتی است؛ درحالی که در بسیاری از کشورها، علاوه بر آنکه منابع نظام حمایتی از طریق مالیات ستانی تأمین می شود، اظهارنامه های مالیاتی نقشی اساسی در تشخیص گروه هدف سیاست های حمایتی (خانوارهای کم درآمد) ایفا می کنند؛ چراکه اطلاعات مالیاتی اصلی ترین منبع برای شناسایی درآمد خانوار است.

رضایی و موحدی بکنظر (۱۴۰۱)، پانزده قاعده ناظر به ابعاد و سطوح مختلف ساختار حکمرانی مالیاتی را مطرح کرده اند که می تواند به عنوان مبنایی برای اصلاح یا ارزیابی یک نظام مالیاتی از منظر اسلامی در باب عدالت مورد استفاده قرار گیرد. قاعده چهارم این قواعد، به تضمین حداقلی از درآمد با بهره گیری از سازوکار مالیات منفی بر درآمد اشاره دارد؛ اگرچه منبع اصلی تضمین کننده آن را متکی بر عواید ناشی از منابع طبیعی می داند. این ویژگی، نقطه افتراق این مقاله با پژوهش حاضر است؛ چراکه در اینجا تأمین مالی برنامه های حمایتی از منابع مالیاتی، مشخصه نظام یکپارچه دانسته شده است.

فریدمن^۲ (۱۹۶۲)، به الگویی از نظام حمایتی مبتنی بر مالیات اشاره کرده که آن را مالیات بر درآمد منفی می نامد و می توان از آن به عنوان یکی از رویکردهای ارتباط میان نظام مالیاتی و نظام حمایتی یاد کرد. اگرچه وی در کتابش خیلی کوتاه به این بحث پرداخته؛ اما پس از او کارهای بسیاری در زمینه مالیات بر درآمد منفی انجام گرفت. طبق پیشنهاد فریدمن در کتابش، اگر درآمد مشمول مالیات فردی، کمتر از حد معافیت به

اضافه کسورات باشد، مالیات منفی پرداخت می‌کند، یعنی یارانه دریافت می‌کند. به این ترتیب، می‌توان سطحی از درآمد تعیین کرد که درآمد خالص هیچ شخص یا خانواری (که مستحق دریافت یارانه است) پایین‌تر از آن نباشد. طبقه‌بندی دقیق چنین مجموعه‌ای بستگی به توانایی ساختاری جامعه دارد؛ لکن در هر صورت، دستیابی به آن، چالش‌ها و خلل‌های نظام حمایتی گسسته را برطرف می‌کند.

اتکینسون^۳ (۱۹۹۵)، در کتاب اقتصاد بخش عمومی در عمل: طرح پیشنهادی درآمد پایه/ مالیات هموار، پیشنهاد مالیات هموار، همراه با پرداخت درآمد پایه و حذف سایر مالیات‌ها و مزایای تأمین اجتماعی را مطرح می‌کند که مبتنی بر این پیشنهاد برنامه پرداخت مالیات منفی مرتبط با نظام مالیاتی طراحی می‌شود. طرح در نظر گرفته شده توسط وی شامل پرداخت یک درآمد پایه به همه افراد است که جایگزین تمام مزایای تأمین اجتماعی خواهد شد. کمک به کارگران کم‌درآمد، کاهش نابرابری جنسیتی به دلیل استقلال طرح، عدم وابستگی به وضعیت شغلی و کاهش هزینه‌های اداری برای دولت و مالیات‌دهندگان از مزایای طرح اتکینسون شمرده شده‌اند.

جنتیلینی^۴ و همکاران (۲۰۲۰)، ضمن بررسی درآمد پایه همگانی، پاسخ برخی از سؤالات اصلی درخصوص این موضوع را روشن می‌کنند و به موضوعاتی حول تعریف، تعیین دامنه، تجربیات تاریخی و همچنین مجموعه‌ای از انتخاب‌های راهبردی جایگزین پرداخته‌اند و معتقدند حداقل در حال حاضر، یک برنامه درآمد پایه همگانی باید جدی گرفته شود. ایشان در فصل دوم کتابشان به مدل‌های مقایسه‌ای درآمد پایه همگانی پرداخته‌اند و در نوع‌شناسی برنامه‌ها به برنامه‌های مالیات بر درآمد منفی و مالیات بر درآمد کار به عنوان رویکردهای مالیات پایه اشاره کرده‌اند. این فصل قصد دارد با بررسی مؤلفه‌های اصلی مجموعه‌ای از سیاست‌های پیرامون کمک‌های اجتماعی، تفاوت‌های بین برنامه درآمد پایه همگانی و سایر ابزارهای ممکن را روشن کند.

درعین حال درخصوص تطبیق نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی با نظام مالیات‌ستانی و حمایتی در اسلام، پژوهشی انجام نشده است.

۲. مفهوم نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی

توجه به مسئولیت عمومی در قبال شهروندانی که نمی‌توانند امکانات لازم را برای معیشت خود تأمین کنند باعث ایجاد و شکل‌گیری دولت رفاه در میان الگوهای حکومت‌داری شده است. دولت رفاه، شکلی از حکومت است که در آن دولت (یا شبکه‌ای از نهادهای اجتماعی به‌خوبی تثبیت شده) از رفاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان خود بر اساس اصول فرصت‌های برابر و توزیع عادلانه ثروت، حمایت می‌کند و آن را ارتقا می‌دهد (The Editors of Encyclopaedia Britannica, 2023b). شکل و روش دولت رفاه در بین کشورها تنوع قابل توجهی دارد (Béland & et al., 2021)؛ اما در همه آن‌ها ارائه حداقل برخی از برنامه‌های رفاهی از طریق نهادهای خصوصی انجام می‌شود (Béland & Morgan, 2021) و مابقی برنامه‌ها برعهده دولت است.

در اروپا پنج الگوی رفاهی یا اجتماعی سنتی شناسایی شده است؛ نوردیک^۵، قاره‌ای^۶، آنگلوساکسون^۷، مدیترانه‌ای^۸ و اروپای شرقی^۹ (Sapir, 2005). الگوی نوردیک دارای بالاترین سطوح هزینه‌های حمایت اجتماعی و تأمین رفاه همگانی است. الگوی قاره‌ای به‌طور گسترده بر مزایای بیکاری مبتنی بر بیمه و مستمری‌های سالمندی متکی است. الگوی آنگلوساکسون دارای کمک‌های اجتماعی نسبتاً بزرگ به افراد در سنین بالا است و برای افراد در سن کار صرفاً انتقال‌های محدودی را در نظر می‌گیرد. الگوی مدیترانه‌ای به‌شدت دولت‌محور است و مخارج اجتماعی در آن ممکن است به سمت بازنشستگی سالمندی گرایش داشته باشد. الگوی اروپای شرقی با مقررات رفاهی محدودتر مبتنی بر هزینه‌های رفاهی دولت‌محور مشخص می‌شود (European Commission, 2016).

در ایالات متحده نیز چند برنامه اصلی رفاهی وجود دارد که یکی از آن‌ها اعتبار مالیاتی بر درآمد کسب شده (EITC)^{۱۰} است. این برنامه به‌گونه‌ای طراحی شده که افراد و خانواده‌های با درآمد کم تا متوسط بتوانند از معافیت‌های مالیاتی و مالیات منفی برخوردار شوند (Blau, 2003).

5. Nordic

6. Continental

7. Anglo-Saxon

8. Mediterranean

9. Eastern European

10. Earned Income Tax Credit

تأمین مالی این برنامه‌ها معمولاً از طریق مالیات‌دهندگان و مالیات‌های جمع‌آوری شده توسط دولت است (Hayes, 2023). این امر بیانگر ارتباط میان نظام حمایتی و برنامه‌های رفاهی با نظام مالیاتی و به مفهوم یکپارچگی نظام مالیاتی - حمایتی است. این در حالی است که در کشورهای استفاده‌کننده از منابع طبیعی و همه کشورهای خاورمیانه، سیستم‌های حمایت اجتماعی، عمومی هستند و در آن‌ها مزایا به صورت همگانی توسط دولت توزیع می‌شود؛ مانند کمک‌هزینه خانواده یا یارانه‌های غذایی که به همه افراد جامعه تعلق می‌گیرد (Jawad, 2013).

این راهبرد که توسط کشورهای حاشیه خلیج فارس دنبال می‌شود بر توزیع ثروت نفت از طریق برنامه‌های عمومی متمرکز است که پیامدهای اجتماعی - اقتصادی آن، ناهنجاری‌های ساختاری ناخواسته شدیدی ایجاد می‌کند؛ چراکه این منابع می‌توانست صرف توسعه منابع جدید ثروت گردد (Eifert, 2003)؛ بنابراین این نظام‌ها را می‌توان جزو نظام‌های حمایتی مجزا از نظام مالیاتی در نظر گرفت. اگرچه کاهش بهای نفت در سال‌های اخیر و به تبع آن کاهش درآمدهای کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس، نیاز به سیستم‌های مالیاتی کارآمد، شفاف و پاسخگو را به عنوان راهی برای حفظ رشد اقتصادی و ثروت، برای این کشورها ضروری ساخته است (Ezenagu, 2021). انواع رویکردهایی که در آن‌ها برنامه‌های حمایتی از کانال نظام مالیاتی اجرا می‌شوند را می‌توان در موارد زیر برشمرد.

۱-۲. نقدی غیرمشرط

یکی از مهم‌ترین و باسابقه‌ترین برنامه‌های حمایتی نقدی غیرمشرط برنامه مالیات بر درآمد منفی^{۱۱} است. در این الگو با تعیین خط درآمد سربه‌سر یا آستانه بدهی مالیاتی، خانوارهایی که درآمدها بیش از این مقدار باشد، مالیات پرداخت می‌کنند و خانوارهایی که درآمد کمتری از این مقدار دارند، به میزان درصدی از فاصله درآمدشان با این خط، مالیات منفی یا یارانه دریافت می‌کنند. همچنین اگر درآمد خانواده‌ای منطبق با این حد باشد، نه مالیاتی پرداخت می‌کند و نه یارانه‌ای دریافت خواهد کرد

11. Negative Income Tax (NIT)

(Fitzpatrick, 1999, pp. 88-90).

میلتون فریدمن (۱۹۶۲) با عنایت به آثار منفی طرح‌های حمایتی زمان خود، این پیشنهاد را مطرح کرد و معتقد بود اثر منفی بر انگیزه نیروی کار ندارد چراکه با افزایش ساعت کاری فرد، به درآمد خالص او افزوده می‌شود (Friedman, 1962, pp. 190-195).

۲-۲. اعتباری غیرمشرط

رویکرد مرسوم مالیات بر درآمد منفی توسط فریدمن مطرح شد؛ لکن رویکرد بدیلی نیز برای مالیات بر درآمد منفی توسط رالف^{۱۲} عنوان گردید که از آن با عنوان رویکرد مالیات اعتباری یاد می‌کند. این رویکرد دارای دو پایه اصلی است: یک نظام اعتبارات با مبلغ ثابت که همه افراد جامعه مستحق آن هستند و یک مالیات بر درآمد بدون هیچ‌گونه معافیت مالیاتی.

در این شیوه، می‌توان با استفاده از یک اعتبار مالیاتی عمومی و نرخ مالیاتی ثابت، مالیات متفاوتی را متناسب با شرایط افراد اتخاذ کرد یا یارانه پرداخت کرد. با اتخاذ نظام تک‌نرخ مالیاتی، می‌توان تعریف دقیق‌تری از درآمد مشمول مالیات ارائه داد و در نتیجه نظام مالیاتی را ساده‌سازی کرد (Rolph, 1967).

۳-۲. نقدی مشروط

مالیات بر درآمد منفی مشروط^{۱۳} نوع دیگری از برنامه‌های حمایتی است که در آن نظام مالیاتی و حمایتی به شکل یکپارچه طراحی شده است. این برنامه با هدف ارتقای انسجام اجتماعی از طریق توزیع مجدد درآمد مورد توجه قرار می‌گیرد (Snower, 2004).

شرایط ضمیمه شده به مالیات بر درآمد منفی در این برنامه می‌تواند موارد متعددی را شامل شود و محدود به شرایط خاصی نیست؛ مثلاً می‌تواند مشابه شرایطی باشد که به برنامه مزایای بیکاری مربوط می‌شود؛ از جمله ارائه شواهدی مبنی بر جستجوی جدی شغل (Orszag & Snower, 1998) یا داشتن شغل با درآمد پایین (Coe & Snower, 1997). به همین دلیل به عنوان یک سیاست جایگزین اصلی برای برنامه مزایای بیکاری در کنار یارانه اشتغال، معرفی شده است (Buti & et al., 2000).

12. Rolph

13. conditional negative income tax (CNIT)

۲-۴. اعتباری مشروط

برنامه اعتبار مالیاتی درآمد کار^{۱۴} برای ارتقای درآمد مزدگیران طراحی شده است. به موجب این طرح مالیات دهندگان کم درآمد که درآمد ناشی از کار داشته باشند، با توجه به تعداد افراد تحت تکفل و میزان درآمد ناشی از کار، از اعتبار مالیاتی برگشت پذیر برخوردار می شوند، یعنی مالیات کمتری می پردازند یا حتی ممکن است یارانه دریافت کنند.

در این طرح خانوارهای بدون درآمد هیچ مزایایی دریافت نمی کنند. با افزایش درآمد ناشی از کار، خانوار مستحق دریافت مزایا می شود و پس از گذشتن از حد مشخصی اگر درآمد همچنان افزایش پیدا کند از میزان مزایا کاسته می شود؛ بنابراین این طرح، یک طرح مشوق کار محسوب می گردد (Crandall-Hollick & et al., 2021).

۳. مشخصه های نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی

از بررسی نظام های مالیاتی مرتبط با نظام حمایتی می توان شاخص های زیر را به عنوان ویژگی های نظام مالیاتی - حمایتی یکپارچه به دست آورد تا با بررسی آن ها انطباق روش مالیات ستانی اسلام با نظام یکپارچه تعیین گردد. این شاخص ها در میان رویکردهای مختلف نظام های مالیاتی مرتبط با نظام های حمایتی قابل مشاهده است. این نکته قابل ذکر است که تمرکز مباحث نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی بر مالیات بر درآمد است و انواع دیگر مالیات، از جمله مالیات بر مصرف در قالب مالیات بر ارزش افزوده یا سایر پایه های مالیاتی و حقوق و عوارض گمرکی را شامل نمی شود.

۳-۱. تعیین آستانه بدهی مالیاتی

در نظام های مالیاتی - حمایتی یکپارچه، یک مقدار درآمدی بر اساس فرد یا خانوار تعیین می گردد که از آن با عنوان درآمد سربه سر یا محدوده معافیت مالیاتی یاد می شود. این میزان درآمد مبلغی است که یک شخص یا خانوار بتواند نیازهای ضروری زندگی خود را تأمین کند و از رفاه نسبی برخوردار شود. افراد و خانوارهایی که در این محدوده درآمدی جای می گیرند از پرداخت مالیات معاف هستند و از طرفی مزایایی را هم از طرف دولت در این خصوص دریافت نمی کنند (Moffitt, 2003).

این خانوارها به گونه‌ای است که اگر مالیاتی پرداخت نکنند، کفاف زندگی را می‌دهد و نیازی به دریافت یارانه و کمک‌های نقدی نخواهند داشت. آستانه بدهی مالیاتی لزوماً با خط فقر برابر نیست. در ایالات متحده خط درآمد سربه‌سر در برنامه رفاهی مالیات حاصل از درآمد کار برای فرد مجرد یا بیوه بدون فرزند، سالانه ۱۶۴۸۰ دلار در سال ۲۰۲۲ بوده است؛ درحالی‌که خط فقر در همان سال، به‌ازاء هر فرد ۱۳۵۹۰ دلار یعنی ۲۸۹۰ دلار کمتر از آستانه بدهی مالیاتی بوده است.^{۱۵} نتیجه این خواهد شد که یک فرد در بازه درآمدی ۱۳۵۹۰ دلار تا ۱۶۴۸۰ دلار اگرچه زیر خط فقر قرار نگرفته و فقیر به حساب نمی‌آید؛ اما شرایط دریافت اعتبار مالیاتی یا مالیات بر درآمد منفی را دارد.

۳-۲. اصل اخذ مالیات از ثروتمندان

منبعی که مالیات از آن اخذ می‌گردد، منبع نظام مالیاتی نامیده می‌شود. منبع نظام مالیاتی می‌تواند هریک از موارد زیر باشد: الف) درآمد خانوار از اشتغال؛ ب) درآمد ناشی از فعالیت شرکتی واحدهای اقتصادی منفرد؛ ج) دارایی‌های خانوارها و شرکت‌های تجاری در اقتصاد ملی. در هریک از این سه گروه، مالیات ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم باشد (Mokry, 2006). براین اساس، مالیات انواع مختلفی دارد که متناسب با شرایط کشورها وضع می‌شود؛ لکن در همه انواع آن، با تعریف پایه‌های مالیاتی متناسب، بخشی از درآمد یا ثروت افراد حقیقی یا حقوقی از آن‌ها گرفته می‌شود تا جهت تأمین هزینه‌های دولت صرف گردد. این مالیات‌ها منابع مالی مورد نیاز یک کشور برای بقا را فراهم می‌کند. تنها تعداد انگشت‌شماری از کشورها نرخ مالیات بر درآمد صفر درصد دارند که بسیاری از آن‌ها کشورهای عربی تولیدکننده نفت هستند که به جای مالیات، با صادرات نفت بخش عمده‌ای از بودجه خود را تأمین می‌کنند. علاوه بر آنکه مالیات بر فروش و همچنین نرخ مالیات شرکتی نسبتاً بالا نیز در این کشورها به چشم می‌خورد (Kagan, 2023). در نظام‌های یکپارچه مالیاتی - حمایتی نیز این امر مدنظر قرار گرفته و از این‌رو

15. <https://www.healthcare.gov/glossary/federal-poverty-level-fpl/>

مطابق چنین نظام‌هایی افراد یا خانوارهایی که از ثروت و درآمد بالایی برخوردار هستند، ملزم به پرداخت مالیات با نرخ‌های ثابت یا پلکانی هستند؛ بنابراین اگر نظام رفاهی یک کشور بدون وضع مالیات و بدون اتکا به مالیات‌ستانی، تأمین مخارج کند و هزینه‌های رفاهی خود را پوشش دهد، نمی‌تواند از مصادیق نظام‌های مالیاتی - حمایتی یکپارچه به حساب آید.

۳-۳. وجود معافیت‌های مالیاتی مشروط

علی‌رغم اینکه اکثر کشورها از نظام مالیات بر درآمد برخوردار هستند؛ اما همه آن‌ها به نوعی معافیت‌های مالیاتی را نیز در نظر می‌گیرند. معافیت مالیاتی وضعیتی است که در آن شخص یا سازمانی مجبور به پرداخت مالیات نیست (فرهنگ لغت کمبریج^{۱۶}، ذیل معافیت مالیاتی). از این‌رو معافیت مالیاتی، هم می‌تواند شامل سازمان‌های دولتی و غیردولتی و هم شامل اشخاص شود؛ به عنوان مثال در ایالات متحده سازمان‌های خیریه، کلیساها و سازمان‌های مذهبی، سازمان‌های سیاسی و برخی سازمان‌های غیرانتفاعی دیگر از پرداخت مالیات معاف هستند.^{۱۷} همچنین روحانیون نسبت به درآمدی که از کلیسا دریافت می‌کنند، معاف از پرداخت مالیات هستند (Schloemer, 2009). این معافیت‌ها مطلق هستند و مشروط به سطح پایین درآمد اشخاص نیستند؛ اما آنچه در نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی قابل مشاهده است نوعی از معافیت‌های مالیاتی است که در ارتباط با سطح درآمد افراد است و در واقع خانوارها مشروط به داشتن سطح خاصی از درآمد یا پایین‌تر از آن، ملزم به پرداخت مالیات نیستند و از این معافیت برخوردار می‌شوند؛ بنابراین شاخصی که در نظام یکپارچه نسبت به معافیت‌های مالیاتی قابل بیان است، وجود معافیت‌های مشروط به سطح درآمدی است نه وجود هر نوع معافیت مالیاتی. اگر فرد یا خانوار در سطح درآمدی خاصی باشد مالیات درآمد پرداخت نمی‌کند و اگر پایین‌تر از آن باشد علاوه بر آنکه از معافیت مالیاتی بر درآمد برخوردار است، با وجدان سایر شرایط، مالیات منفی (یارانه) نیز دریافت می‌کند.

16. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/tax-exemption>

17. <https://www.irs.gov/charities-non-profits/exempt-organization-types>

۳-۴. پرداخت یارانه به نیازمندان

یارانه مزیتی است که توسط دولت به خانوارها، شرکت‌های خصوصی یا واحدهای دولتی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم پرداخت می‌شود (The Investopedia Team, 2023)؛ یارانه‌های مستقیم یا مشهود^{۱۸} مانند پرداخت‌های نقدی به افراد و خانوارها به راحتی قابل شناسایی و اندازه‌گیری هستند ولی اندازه‌گیری یارانه‌های غیرمستقیم یا پنهان^{۱۹} مانند ارائه کالاها یا خدمات دولتی با قیمت‌های کمتر از قیمت فعلی بازار (OECD, 2022)^{۲۰}، دشوار است (The Editors of Encyclopaedia Britannica, 2023b).

نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی یارانه‌هایی را در نظر می‌گیرد که دولت‌ها در راستای حمایت از اقشار کم‌درآمد و افزایش درآمد آن‌ها، به صورت مستقیم به فرد یا خانوار پرداخت می‌کنند. این پرداخت می‌تواند نقدی، اعتباری یا کالایی باشد. از این رو پرداخت یارانه به بخش صنعت در راستای حمایت از صنعت خاصی یا پرداخت یارانه‌های قیمتی پنهان در راستای پایین نگه داشتن قیمت کالاها و خدمات نسبت به قیمت بازاری آن‌ها، از عناصر سازنده نظام یکپارچه نمی‌توانند باشند و از محل بحث خارج هستند؛ بنابراین بر اساس نوع نظام یکپارچه، یارانه‌ای مدنظر است که یا به همه افراد جامعه هدف به صورت غیرمشتروط پرداخت شود مانند نظام مالیات بر درآمد منفی فریدمن (NIT) یا صرفاً به واجدین شرط خاصی پرداخت گردد مانند نظام مالیات اعتباری بر درآمد کار (EITC) که فقط به افراد کم‌درآمدی تعلق می‌گیرد که درآمد حاصل از کار داشته باشند.

۳-۵. تأمین مالی برنامه‌های رفاهی از مالیات

تأمین مالی سیاست‌های اجتماعی یک موضوع اقتصادی و سیاسی بسیار برجسته است که با تضادهای مداوم در مورد اینکه سیاست‌های اجتماعی تا چه حد و از چه راه‌هایی باید تأمین مالی شوند و هزینه‌ها چگونه باید توزیع شوند، همراه است (Sjöberg, 2000). در گذشته تأمین مالی برنامه‌های رفاهی و حمایت از نیازمندان مالی به این نحو بود که کلیساهای اتحادیه‌های کارگری و دیگر آژانس‌های بشردوستانه خصوصی بیش از

18. direct or visible subsidies

19. indirect or concealed subsidies

20. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

نهادهای دولتی مورد توجه بودند تا اینکه افزایش روزافزون صنعتی شدن، همراه با شهرنشینی، منجر به تغییر نگرش در ماهیت هزینه‌های رفاهی دولت‌ها و افزایش دادن این هزینه‌ها شد. این تغییرات اگرچه حتی قبل از رکود دهه ۱۹۳۰ آشکار شده بود؛ لکن رکود این دهه، کمک زیادی به تسریع روند آن کرد (Newcomer, 1953).

امروزه سیستم‌های حمایت اجتماعی متکی به منابع درآمدی متفاوتی هستند که مالیات‌ها (به شکل سهمی از درآمدهای عمومی یا مالیات‌هایی که برای اهداف حمایت اجتماعی در نظر گرفته شده است) و مشارکت‌های اجتماعی (پرداخت شده توسط کارفرمایان یا کارمندان یا هر دو) بخش اصلی آن را تشکیل می‌دهند. منبع تأمین مالی به ویژگی‌های منافع مربوط می‌شود. منافع عمومی معمولاً از درآمدهای مالیاتی عمومی تأمین می‌شوند (Morel & Palme, 2012)؛ بنابراین اگر برنامه‌های رفاهی مستقیماً از منابع مالی در دست دولت مانند درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی یا حذف یارانه‌های قیمتی تأمین مالی شوند جزو مصادیق نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی به حساب نخواهند آمد.

۴. روش مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام

مسئول اداره مالیات در کشورهای اسلامی، به‌ویژه در اوایل خلافت اسلامی مرکزی با عنوان «بیت‌المال» بود (Habibur, 2015). اطلاق بیت‌المال هم به اموال منقول و غیرمنقولی صورت می‌گرفت که متعلق به عموم مسلمین بود و هم به مکانی که این اموال منقول در آن جمع‌آوری می‌شد (ابن جماعه، ۱۴۰۸ق، ص. ۱۰۶). اموال بیت‌المال که منابع و درآمدهای دولت اسلامی به حساب می‌آمد عبارت بودند از: خراج، زکات، خمس، جزیه، عُشر درآمدهای تجاری، فیه و انفال و موارد دیگری مانند درآمدهای اتفاقی و هر مالی که صاحب خاص نداشته باشد از قبیل اموالی که از دزدان گرفته شده و اموال پیدا شده که صاحبانشان پیدا نشوند و میراث بی‌وارث (سجادی، ۱۳۹۹).

از آنجاکه مالیات یک هزینه مالی اجباری است که از افراد و شرکت‌ها جمع‌آوری می‌شود (McLure & et al., 2023) نمی‌توان تمام اموال بیت‌المال را مالیات به حساب آورد چراکه برخی از آنها، اگرچه دارایی دولت بوده؛ اما از مردم اخذ نشده است و

برخی دیگر اگرچه از مردم تحصیل می‌شدند؛ اما اجباری نبوده‌اند. ازاین‌رو مصادیق مالیات ثابت در اسلام خراج، زکات، خمس و جزیه است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص. ۳۵۳) که در کنار مالیات‌های متغیر یا ثانوی (غفوری و غفوری، ۱۳۹۶)، منابع مالیاتی دولت اسلامی را تشکیل می‌دهند. دقت در منطق هریک از این‌ها می‌تواند رهیافت‌هایی برای کشف رویکرد اسلامی داشته باشد. ازاین‌رو در ادامه، اقسام مالیات ثابت در صدر اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. خراج

خراج مالیاتی است که از زمین‌های الحاقی به سرزمین اسلامی گرفته می‌شد (حسینی، ۱۳۸۰). این اصطلاح به معنی مالیات بر زمین و نیز نظام و قوانین خراجی در دوره اسلامی پس از فتح ایران و آشنایی مسلمانان با شیوه‌های رایج در ایران پدید آمد (ماوردی، ۱۴۰۹ق، صص. ۳۰۰-۳۰۱). حکام و دولت‌های مسلمان از همان آغاز به چگونگی سامان‌دهی تشکیلات خراجی، به‌عنوان مهم‌ترین منبع مالیاتی در دوره اسلامی، توجه داشتند. أخذ خراج به‌صورت سالیانه بود ولی معمولاً خراج و دیگر مالیات‌های نقدی، یکجا أخذ نمی‌شد بلکه به‌صورت اقساط، مثلاً در سه قسط، از رعایا گرفته می‌شد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۲، صص. ۶۱-۶۳).

۴-۲. زکات

اقسام زکات در دو دسته زکات ابدان (خمینی، ۱۳۹۲، الف، ج ۱، ص. ۳۶۳) و زکات اموال (خمینی، ۱۳۹۲، الف، ج ۱، ص. ۳۲۹) قابل دسته‌بندی است. زکات ابدان که به آن زکات فطره نیز می‌گویند مالی است که فرد مکلف در صورت داشتن شرایط آن در روز عید فطر از جانب خود و افراد تحت تکفل خویش به فقرا می‌پردازد (حسینی آهق، ۱۳۹۵). مهم‌ترین شرط وجوب ادای زکات ابدان، توانایی مالی (صدر، ۱۳۸۴، صص. ۳۳۸-۳۴۰) است. زکات اموال شامل طلا و نقره مسکوک، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش می‌شود (خمینی، ۱۳۹۲، الف، ج ۱، ص. ۳۳۲). ویژگی زکات اموال در مقابل زکات ابدان، این است که تا زمانی که اموال به مقدار معینی که به آن حد نصاب گفته می‌شود، نرسند، پرداخت زکات آن‌ها واجب نخواهد شد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص. ۱۹۰).

۴-۳. خمس

خمس در اصطلاح شرع، حقی است که خروج آن از مال واجب است (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص. ۶۶). این حق به هفت امر تعلق می‌گیرد (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۱۶، ص. ۵). مهم‌ترین این موارد خمس ارباح مکاسب به معنای سودهای به‌دست‌آمده از کسب‌وکار است (مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص. ۳۶۴) که شامل انواع درآمدهای حاصل از تجارت، کشاورزی، صنعت، نویسندگی، خیاطی، اجاره اموال و دیگر کسب‌ها می‌شود (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، ج ۲، ص. ۷). وجوب خمس در این مورد بعد از اخراج مؤونه است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص. ۲۸۲).

۴-۴. جزیه

جزیه مالیاتی است که در برابر التزام حکومت اسلامی به خدمت‌رسانی به اهل کتاب و حمایت از اهل ذمه، پرداخت می‌شود (کلانتری، ۱۴۱۶ق، ص. ۳۴) و اهل کتاب در قبال اقامت در بلاد اسلامی و مصونیت از تعرض دیگران به آنان، بر اساس قرارداد ذمه، این مالیات را پرداخت می‌کنند (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص. ۲۲۷). در صدر اسلام جزیه یک پایه مالیاتی به حساب می‌آمده که بخشی از هزینه‌های مورد نیاز دولت اسلامی در جهت هزینه‌های عمومی جامعه، از جمله امنیت را تأمین می‌کرد و میزان آن برعهده حاکم و ولی‌امر گذاشته شده بود تا هر مقدار که مصلحت دانست، کم‌ و کیفاً تعیین کند (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۳۹۴).

۵. مؤلفه‌های سازگار در الگوی مالیاتی - حمایتی اسلام

در ادامه، الگوی مالیات‌ستانی و حمایتی اسلام بر اساس شاخص‌های نظام یکپارچه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا انطباق آن دو با یکدیگر مشخص شود.

۵-۱. خط درآمد سربه‌سر

زمانی می‌توان وجود این خط را در نظام مالیاتی - حمایتی اسلام تأیید کرد که افراد مالیات‌دهنده، باتوجه به سطح درآمدشان هیچ یارانه‌ای دریافت نکنند و درمقابل کسانی که پرداخت‌های حمایتی دولت را دریافت می‌کنند هیچ مالیات بر درآمدی نپردازند.

درعین حال وجود خانوارهایی که نه مالیات پردازند و نه کمک‌های حمایتی دریافت کنند مانعی ندارد.

با بررسی انواع مالیات‌ها، حمایت‌ها و خزانه‌ها در نظام اسلامی، درمی‌یابیم در برخی از پرداخت‌های مرتبط با خزانه اموال خاص، معیار مورد نظر اسلام، دائرمدار صدق عنوان فقر بر فرد است؛ به گونه‌ای که اگر این عنوان صدق نکند، فرد، پرداخت‌کننده مالیات خواهد بود و اگر صدق بکند دریافت‌کننده مالیات منفی می‌شود. همان‌طور که گذشت زکات ابدان و خمس ارباب مکاسب از مصادیق بارز این امر هستند. در این دو پایه مالیاتی، فرد مالیات‌دهنده باید علاوه بر مخارج سالش، مازاد درآمدی داشته باشد تا موظف به پرداخت مالیات گردد و در این صورت نمی‌تواند مستحق دریافت کمک‌های دولتی از خزانه اموال خاص باشد؛ بنابراین مفهومی از خط درآمد سربه‌سر را می‌توانیم در این دو مورد از پایه‌های مالیاتی در صدر اسلام بیابیم که وضع مالیات مثبت و منفی با سطح درآمدی افراد ارتباط مستقیم دارد.

در زکات اموال نیز حد نصاب، بخشی از کارکرد خط درآمد سربه‌سر در نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی را دارد چراکه در این پایه مالیاتی مطابق با خط درآمد سربه‌سر یا به عبارت دقیق‌تر خط دارایی سربه‌سر، فردی که بیشتر از نصاب معین داشته باشد ملزم به پرداخت مقدار معینی از عناصر تکلیفی در زکات اموال است و به‌طور ضمنی گویی فرض شده می‌تواند مایحتاج خود و خانواده‌اش را فراهم آورد، پس فقیر نیست. درعین حال اگرچه افراد زیر حد نصاب، مالیات پرداخت نمی‌کنند؛ اما لزوماً به این معنا نیست که استحقاق دریافت کمک‌های حمایتی دولت را داشته باشند بلکه ممکن است از وضعیت رفاهی خوبی برخوردار باشند و فقیر نباشند؛ لکن اموالی که دارند مشمول مالیات زکات نیست. تفاوت دیگر زکات اموال با نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی این است که زکات اموال، برخلاف نظام یکپارچه، با سطح درآمدی مالک ارتباط مستقیمی ندارد بلکه با سطح دارایی وی اعم از دارایی نقدی، دامی یا کشاورزی مرتبط است.

به جز این موارد، در سایر منابع بیت‌المال نشانه‌ای از خط درآمد سربه‌سر نمی‌توان پیدا کرد چنان‌که در خمس امور حیا زتی که در خزانه اموال خاص قرار می‌گیرد، ممکن

است فردی که دارایی مشمول خمس را حیازت کرده است، درعین حال که خمس مال را باید پرداخت کند و جزو مالیات‌دهندگان به‌شمار آید، مستحق دریافت کمک‌های حمایتی دولت نیز باشد، پس هم مالیات پرداخت می‌کند و هم می‌تواند از اموال خاص دریافت کند.

خراج و جزیه نیز که متعلق به خزانه عمومی هستند و در امور عمومی مسلمین صرف می‌شوند، ارتباطی با سطح درآمدی مالیات‌دهندگان یا گیرندگان از این منابع ندارند. علاوه بر اینکه در جزیه به‌طور کلی اهل ذمه که موظف به پرداخت آن هستند، حتی در صورت فقیر بودن، مشمول دریافت مالیات منفی از خزانه عمومی نمی‌توانند باشند، اگرچه از خزانه اموال خاص، ردیف تألیف قلوب، می‌توان کمک‌هایی به غیرمسلمانان کرد؛ مانند کافر خریدار زمین از مسلمان که باید مالیات آن را پرداخت کند اما حتی در صورت فقر، استحقاقی از اموال عموم مسلمین ندارد.

۵-۲. اخذ مالیات از مجموع درآمد

در نظام‌های یکپارچه مالیاتی - حمایتی، محاسبات درآمدی جهت تعیین سطح درآمدی افراد یا خانوار، بر اساس مجموع درآمد انجام می‌گیرد. درواقع اقتضای چنین نظام‌هایی آن است که درآمدهای حاصل از منابع متعدد را با هم جمع کند و مجموع آن‌ها را به‌صورت درآمد واحد در نظر بگیرد و این امکان وجود ندارد که درآمدها به‌طور مجزا محاسبه شوند؛ چراکه سطح درآمد فرد یا خانوار را نمی‌تواند تبیین کند. ازاین‌رو در نظام‌های یکپارچه از آنجا که، پرداخت‌های حمایتی منوط به قرار گرفتن فرد یا خانوار در زیر خط درآمد سربه‌سر است، تنها راه تشخیص سطح درآمدی آن‌ها، تجمع درآمدها از کانال‌های مختلف است.

این مبحث در نظام مالیاتی اسلام نیز در چند مورد از پایه‌های مالیاتی به چشم می‌خورد. در خمس ارباح مکاسب، وجوب پرداخت خمس، پس از اضافه آمدن مجموع درآمدها از هزینه‌های سال است (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۷۵۲). درواقع در این پایه مالیاتی، تمام درآمدهای فرد با یکدیگر جمع می‌شود و اگر مازاد بر هزینه‌هایش بود، خمس آن به‌عنوان مالیات دریافت می‌گردد؛ مانند زکات ابدان که تنها

در صورتی باید این مالیات را پردازد که مجموع درآمدهای فرد به حدی باشد که عنوان فقیر بر او صدق نکند (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۹۹۱). در اینجا نیز مجموع درآمد معیار پرداخت مالیات است؛ اما در سایر پایه‌های مالیاتی توجهی به مجموع درآمد فرد نمی‌شود. چنان‌که در خمس امور حیازتی، متعلق آن خود کالای حیازت شده است و ارتباطی با درآمد فرد حیازت‌کننده، چه از نظر درآمدهای منفک و چه از نظر درآمدهای تجمیعی، ندارد؛ چنان‌که در معدن اگر چیزی که به‌دست می‌آورد به مقدار نصاب باشد، بدون در نظر گرفتن میزان درآمدش، باید خمس آن را بدهد (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۷۹۸). همچنین در دریافت خراج (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص. ۴۹۰)، زکات اموال (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۸۵۵) و جزیه (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص. ۳۸) نیز سایر درآمدهای مالیات‌دهنده به حساب نمی‌آیند و موضوع پرداخت این مالیات‌ها بر اساس متعلق آن‌ها محقق می‌گردد؛ بنابراین در میان منابع بیت‌المال تنها زکات ابدان و خمس ارباح مکاسب را می‌توان دارای مشخصه مالیات بر مجموع درآمد دانست و سایر پایه‌ها یا ارتباطی با سایر درآمدها ندارند یا اینکه با مجموع درآمدها بی‌ارتباط هستند.

۳-۵. معافیت‌ها

نظام خراج که رایج‌ترین نظام مالیاتی دوران صدر اسلام بود از یک قاعده کلی پیروی می‌کرد مبنی بر اینکه وضعیت کشاورز و تولیدکننده را مورد توجه قرار می‌داد تا أخذ خراج مانع رشد اقتصادی و انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری نشود. به‌همین دلیل در وضعیت رکود اقتصادی تخفیف‌های مناسبی در نظر گرفته می‌شد تا مردم در سال‌های بعد رغبت بیشتر و توان بالاتری برای ادای خراج کسب کنند (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص. ۳۷۰). درعین حال با از بین رفتن شرایط و اوضاع دوره فتوحات صدر اسلام و تحولات مباحث زمین‌داری، نظام خراج هم تغییر یافت و زمین‌هایی شکل گرفت که از معافیت مالیاتی برخوردار بودند^{۲۱} (ابریشم‌کار و گروه تاریخ اجتماعی، ۱۳۸۹).

۲۱. نکته قابل ذکر، توجه به عرف حکمرانی در حکومت‌های اسلامی غیر معصوم (علیه‌السلام) در وضع معافیت مالیاتی و تفاوت آن با مفهوم و شرایط اسقاط یا معافیت مالیاتی مبتنی بر نصوص و استنباط احکام و نگاه

بررسی مالیات خراج در صدر اسلام نشان می‌دهد این پایه مالیاتی، اگرچه معافیت‌های متعددی برای آن در نظر گرفته می‌شد؛ اما این معافیت‌ها معطوف به سطح درآمدی افراد که ویژگی نظام‌های یکپارچه است، نبوده بلکه بیشتر به مناصب و روابط تعلق گرفته است.

در زکات اموال، فردی که دارایی‌اش به حد نصاب برسد، مالیات آن را پرداخت می‌کند؛ اما تا زمانی که به این حد نرسیده هیچ مالیاتی پرداخت نمی‌کند و از معافیت مالیاتی برخوردار خواهد شد (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۸۵۵)؛ بنابراین معافیت‌ها معطوف به رسیدن به نصاب است و درآمد پرداخت‌کننده زکات از سایر منابع، مدنظر قرار نمی‌گیرد؛ برخلاف زکات ابدان که مستقیماً با درآمدها سروکار دارد و مادامی که میزان درآمد شخص به اندازه رفع نیازهای سالانه‌اش و مازاد بر آن نباشد، به‌طوری‌که عنوان فقیر بر او صدق کند، از پرداخت زکات ابدان معاف خواهد بود (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۹۹۱).

معافیت خمس ارباح مکاسب، تأمین حد نصاب زندگی است (فراهانی‌فرد و موسوی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۵۳)؛ به این نحو که اگر مجموع درآمدهای کسب شده در طول سال، کفاف مخارج خود و عیالش را ندهد یا اینکه سربه‌سر باشد و مازادی نداشته باشد، خمس پرداخت نمی‌کند و معاف است؛ همچنین یکی از ویژگی‌های این خمس، معافیت نسبت به مازاد درآمدهای سال گذشته است؛ به این معنا که اگر فرد از درآمدهای سال گذشته‌اش باقی مانده باشد که خمس آن را نیز پرداخت کرده است، این مقدار مازاد، از پرداخت خمس معاف خواهد بود. درواقع پولی که خمس آن پرداخت شده است، مجدداً خمس به آن تعلق نخواهد گرفت (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص. ۲۰۱)؛ اما اگر علاوه بر مخارج سالانه، بخشی از درآمد سالش اضافه آمده باشد، باید یک‌پنجم آن را تحت عنوان مالیات خمس پردازد و در این مقام هیچ فردی از پرداخت آن معاف نخواهد بود (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۷۵۲).

در امور حیاظتی مشمول خمس نیز از آنجاکه همگی آن‌ها به‌جز غنائم جنگی (خمینی

شرعی و فتوایی است؛ اولی الزاماً انطباقی با سنت و سیره نداشته و الزاماً حجیت شرعی برای آن اثبات نمی‌شود ولی در دومی جایگاه متفاوت آن سبب می‌شود که در صورت نیاز، به آن احتجاج شرعی شود.

و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۸۲۸)، دارای نصاب هستند، تا زمانی که مال به‌تصرف درآمد، ارزش چندانی نداشته باشد و ارزشش به حد نصاب نرسد، مشمول معافیت مالیاتی به حساب می‌آید و مالک از پرداخت مالیات آن معاف است؛ مثلاً اگر قیمت جواهری که از دریا به دست می‌آید، به ۱۸ نخود طلا برسد باید خمس آن پرداخته شود (خمینی و سایر مراجع، ۱۳۸۱، مسئله ۱۸۱۹) و در کمتر از آن خمس ندارد؛ لکن این معافیت متأثر از سطح درآمدی نیست و به ارزش مال حیازت شده بر می‌گردد.

در جزیه معافیت مالیاتی بر اساس سطح درآمدی وجود ندارد ولی کسانی که کشتن آن‌ها در جنگ نهی شده؛ مانند اطفال، دیوانگان و زنان از پرداخت آن معافند (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۳۹۲). همچنین با اسلام آوردن ذمیان، آن‌ها از پرداخت این مالیات سرانه معاف می‌شدند (ماوردی، ۱۴۰۹ق، صص. ۲۶۴-۲۶۵)؛ اگرچه این را باید تغییر موضوع دانست؛ زیرا موضوع جزیه، اهل کتاب هستند؛ اما در اینجا اهل کتاب با اسلام آوردن، مسلمان می‌شوند و دیگر پرداخت جزیه از آن‌ها برداشته می‌شود.

۴-۵. پرداخت یارانه به نیازمندان

همان‌طور که گذشت وجه مشترک نظام‌های یکپارچه در اصل پرداخت یارانه به نیازمندان است ولی در نوع آن تفاوت‌هایی وجود دارد. بر این اساس، می‌توان گفت نظام حمایتی اسلام نیز اصل پرداخت‌های حمایتی به افراد نیازمند از جمله فقرا و مساکین را می‌پذیرد و برای آن برنامه‌هایی وضع کرده است. این برنامه‌ها هم در نظام اقتصادی اسلام دیده می‌شود که گذشت و هم در نظام اخلاقی آن به چشم می‌خورد.

در نظام اخلاقی اسلام، افراد تشویق شده‌اند تا با پرداخت نفقه‌های واجب و مستحب، حتی زمانی که درآمدشان کفاف هزینه‌های خودشان را نمی‌دهد و در تنگدستی هستند، به بهبود رفاه دیگران کمک کنند (آل عمران / آیه ۱۳۴).^{۲۲} از این رو هدف نظام اقتصادی اسلام رفع فقر و ریشه‌کنی آن است و پرداخت کمک به نیازمندان را با استفاده از ابزارهای تکلیفی و تشویقی پیگیری می‌کند (رجوع کنید به: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، صص. ۱۱۱-۱۳۷).

۲۲. الَّذِينَ يَتَّقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ.

۵-۵. تأمین مالی برنامه‌ها

برنامه‌های حمایتی از فقرا، مبتنی بر دو الگو می‌تواند طراحی شود؛ یا منبع مالی این برنامه‌ها، دریافت کمک از ثروتمندان و افرادی باشد که از سطح درآمدی بالایی برخوردارند یا اینکه خود دولت مکلف شود مبتنی بر ثروت و درآمدهایش به نیازمندان کمک کند. در این صورت از آنجاکه اموال دولت متعلق به عموم افراد جامعه است، باید به‌طور مساوی بین همه تقسیم گردد و اختصاص آن به قشر خاصی مانند فقرا باید به‌نحوی باشد که عایدی آن به کل جامعه برگردد. هدف‌گذاری دستیابی به آثار اجتماعی رفع فقر از این منظر، می‌تواند به مشروعیت برنامه‌ها بیانجامد.

در برنامه‌های حمایتی اسلام، اموال عمومی مسلمانان به‌طور مساوی بین همه تقسیم می‌شده و فقرا از این خزانه سهم خاص یا ویژه و جداگانه‌ای نداشتند. چنان‌که عقیل درنهایت بینوایی و درحالی‌که شدت فقر در فرزندانش ظاهر بود، یک صاع از گندم بیت‌المال عمومی را از امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) درخواست کرد ولی چون سهم خود از بیت‌المال را دریافت کرده بود، تقاضایش رد شد (صبحی، ۱۳۷۴، خطبه ۲۲۴).

از این‌رو منابع سهم خاص فقرا از اموال عمومی بیت‌المال نبوده بلکه از اموالی به‌دست می‌آمده که ثروتمندان به‌عنوان مالیات پرداخت می‌کردند؛ مانند خمس ارباح مکاسب و زکات ابدان که جزو موارد مصرفشان، فقرا و مساکین ذکر شده‌اند. پس می‌توان تأمین مالی برنامه‌های حمایتی در اسلام را منطبق با الگوی نظام یکپارچه دانست؛ چراکه هر دو مبتنی بر اخذ مالیات از ثروتمندان هستند.

۵-۶. جمع‌بندی انطباق مشخصه‌ها

درمجموع می‌توان انطباق نظام مالیاتی - حمایتی یکپارچه با روش مالیات‌ستانی و نظام حمایتی در اسلام را با توجه به مشخصه‌های نظام یکپارچه و مؤلفه‌های نظام اسلامی در جدول جمع‌بندی کرد.

جدول (۱): انطباق پایه‌های مالیاتی اسلام با مشخصه‌های نظام یکپارچه

ردیف	زکات ابدان	زکات اموال	خمس امور جزئی	خمس ارباح مکاسب	نوع
×	×	×	×	×	تعیین آستانه بدهی مالیاتی
×	×	×	×	×	معافیت مشروط به سطح درآمدی
×	×	×	×	×	پرداخت یارانه به نیازمندان
					تأمین مالی برنامه‌های رفاهی از مالیات

همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌گردد در برخی از مؤلفه‌ها می‌توان انطباق مدنظر را یافت؛ اما در برخی دیگر از این مؤلفه‌ها، انطباق مورد انتظار وجود ندارد. از این رو نمی‌توان به صراحت ادعا کرد که الگوی مالیاتی و حمایتی در اسلام به‌طور کامل و در همه ابعاد در چهارچوب نظام‌های یکپارچه جای می‌گیرد؛ همان‌طور که نمی‌توان به صراحت ادعا کرد با آن منافات دارد بلکه با بررسی مجزای پایه‌های مالیاتی، وجود مشخصه‌های نظام مالیاتی - حمایتی یکپارچه تنها در مالیات‌های زکات ابدان و خمس ارباح مکاسب قابل مشاهده است؛ بنابراین زکات ابدان یا همان فطریه که به‌عنوان پرداخت واجب سالانه در نظر گرفته می‌شود، نوعی شیوه مالیات‌ستانی یکپارچه است که با نظام حمایتی ترکیب شده و خط فقر، به‌مثابه آستانه مالیاتی تعیین گردیده است؛ به‌همین دلیل افراد فقیر، بدون آنکه بخواهند این مالیات را بپردازند، از آن بهره‌مند می‌شوند و افراد توانمند که بالای خط فقر قرار دارند، موظف به پرداخت آن هستند. این شیوه مالیات‌ستانی، انطباق کامل با نظام مالیاتی - حمایتی یکپارچه دارد و می‌تواند از مصادیق آن به‌شمار برود؛ همان‌طور که شیوه مالیات‌ستانی خمس ارباح مکاسب نیز اینچنین است؛ با این تفاوت که در خمس ارباح مکاسب، آستانه مالیاتی، میزان مخارج و مؤونه سالانه است به‌طوری‌که اگر فرد مازاد درآمد سالانه نداشته باشد و درآمدش با مخارجش برابر باشد یا از آن کمتر باشد، معاف از پرداخت مالیات است. در عین حال سایر شیوه‌های مالیات‌ستانی در اسلام نشان می‌دهد، هیچ‌کدام از آن‌ها،

تمامی مشخصه‌های نظام‌های یکپارچه مالیاتی - حمایتی را ندارند و این بدان معناست که الگوبرداری از نظام‌های یکپارچه در نظام مالیاتی اسلام ضرورت ندارد و دویارچگی آن‌ها نیز از نظر شارع مجاز است؛ کما اینکه در شیوه‌های مالیات‌ستانی خراج، زکات اموال و... دیده می‌شود. به این معنا که در این شیوه‌ها می‌توان آستانه بدهی مالیاتی تعیین نکرد یا معافیتی مشروط به سطح درآمدی در نظر نگرفت بلکه همه موظف به پرداخت این نوع مالیات‌ها هستند.

پس میزان انطباق نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی با روش‌های مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام، نسبی است؛ یعنی نسبت به برخی شیوه‌ها انطباق کامل مشخصه‌ها دیده می‌شود و نسبت به برخی شیوه‌های دیگر، تنها بعضی مؤلفه‌ها قابل استنباط هستند.

نتیجه‌گیری

در کشور ما نظام مالیاتی و نظام حمایتی به‌طور مستقل از یکدیگر تعریف شده‌اند و ارتباطی نه در سطح سازمانی و نه در سطح اطلاعاتی با یکدیگر ندارند. یکی از ایده‌هایی که مشکلات موجود را می‌تواند برطرف سازد، یکپارچه‌سازی نظام مالیاتی و حمایتی است که در برخی از کشورهای دنیا در حال اجرا است؛ به این مفهوم که نظام مالیاتی با نظام حمایتی از طریق مشخصه‌هایی چون وجود آستانه بدهی مالیاتی، أخذ مالیات از مجموع درآمد، وجود معافیت‌های مبتنی بر میزان درآمد، پرداخت مالیات منفی (یارانه) به نیازمندان و تأمین مالی برنامه‌های حمایتی از منابع مالیاتی پیوند خورده باشد. این امر بیانگر ارتباط میان نظام حمایتی با نظام مالیاتی و به مفهوم یکپارچگی این دو نظام در نظر گرفته می‌شود.

از طرفی با لحاظ ظرفیت پرداخت‌های واجب در صدر اسلام و انواع مالیات‌های اسلامی، چهار منبع خراج، زکات، خمس و جزیه به‌عنوان پایه‌های مالیاتی متعارف آن عصر، باید مورد توجه قرار گیرند. در صورتی که نظام یکپارچه با نظام مالیات‌ستانی اسلامی متشکل از این چهار شیوه، دارای تضاد نباشد و از طرف شارع، نهی خاص یا عام برای آن یافت نشود بلکه مشخصه‌های آن کمابیش در تأمین مالی دولت اسلامی در

صدر اسلام نیز وجود داشته باشد، می‌تواند مجوزی برای به‌کارگیری آن در عصر حاضر باشد. از این‌رو مطالعه تطبیقی نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی و روش مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام، به‌عنوان بخشی از بسترهای ضروری پیاده‌سازی نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی خود را نشان می‌دهد.

با بررسی مشخصه‌های نظام یکپارچه در کنار انواع منابع، تنها «انطباق نسبی» نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی با شیوه‌های مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام دیده می‌شود؛ به این معنا که تنها نسبت به زکات ابدان و خمس ارباب مکاسب، می‌توان تمام مشخصه‌های یکپارچگی را یافت ولی نسبت به سایر پایه‌ها، صرفاً بعضی از مشخصه‌ها دیده می‌شود. همچنین مشخصه تأمین مالی برنامه‌های رفاهی از محل مالیات‌های دریافتی را باید تنها مشخصه‌ای از نظام یکپارچه دانست که بر تمامی منابع بیت‌المال منطبق است؛ بنابراین با عنایت به اینکه برخی مشخصه‌ها، تأیید مستقیم شریعت را دارند و برخی دیگر از طرف شرع، ممنوعیتی برای آن‌ها وارد نشده، در مجموع استفاده از نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی با مشخصه‌های مذکور برای طراحی الگویی در نظام مالیاتی اسلام نه تنها منعی ندارد بلکه به‌منظور دستیابی به فواید و آثار مثبت آن، باید مورد اعتنا قرار گیرد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابریشم‌کار، صدیقه و گروه تاریخ اجتماعی (۱۳۸۹). خراج ۲؛ مباحث تاریخی، در دانشنامه جهان اسلام. جلد ۱۵ (خانه - خلعت)، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- ابن جماعه، بدرالدین (۱۴۰۸ق). تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام. تحقیق و درسه و تعلیق فؤاد عبدالمنعم احمد، قطر: دارالثقافه بتفویض من رئاسه المحاکم الشرعیه.
- بهرمن، حمیدرضا (۱۴۰۱). مالیات بر مجموع درآمد (۷): نحوه ارتباط نظام مالیات بر مجموع درآمد با نظام یارانه‌ها. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۶۲۲.
- توکلی، محمدجواد و بحرینی، حسین (۱۳۹۴). تمایز مالیات‌های حمایتی و خدماتی در نظام مالیاتی اسلام. پژوهشنامه مالیات، ۲۳(۲۵)، ۲۰۱-۲۳۰.

مطالعه تطبیقی نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی و... / ایمان رفیعی و سید احمد عاملی مطالعات اقتصادی اسلامی ۷۲۳

حسینی آهق، مریم (۱۳۹۵). زکات فطره، در دانشنامه جهان اسلام. جلد ۲۱ (ری - زیارت)، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

حسینی، سیدرضا (۱۳۸۰). بیت المال. در: جمعی از نویسندگان زیر نظر علی اکبر رشاد، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، جلد ۷، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۲. الف). التحریر الوسيله. تحقیق مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم: مؤسسه عروج.

خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۲. ب). استفتائات امام خمینی (رحمت الله علیه). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، سیدروح الله و سایر مراجع (۱۳۸۱). توضیح المسایل مراجع. گردآورنده: محمدحسن بنی هاشمی خمینی؛ با همکاری احسان اصولی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. قم: مدینه العلم.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۹). مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: سمت.

رضایی، محمدجواد و موحدی بکنظر، مهدی (۱۴۰۱). مبانی نهادی حکمرانی عادلانه مالیاتی؛ رویکردی اسلامی. مطالعات اقتصاد اسلامی، سال چهاردهم، (۲)، ۴۴۰-۴۴۰.

سجادی، صادق (۱۳۹۹). بیت المال. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، قابل دسترسی در تارنمای مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

شریفزاده، محمدجواد و بهرمن، حمیدرضا (۱۳۹۹). ارزیابی تطبیقی درآمد پایه همگانی در اقتصاد متعارف و تضمین حد معیشت در اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۲۰(۷۹)، ۱۷۱-۲۰۶.

صاحب جواهر، محمدحسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. تصحیح عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

صبحی، صالح (۱۳۷۴). نهج البلاغه. قم: مرکز البحوث الاسلامیه.

صدر، موسی (۱۳۸۴). ادیان در خدمت انسان (جستارهایی درباره دین و مسائل جهان معاصر). تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.

طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۲۰ق). العروه الوثقی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲). مجمع البحرین. تحقیق احمد الحسینی، تهران: مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. محقق محمدباقر بهبودی، تهران:

المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.

غفوری، خالد و غفوری، مصطفی (۱۳۹۶). گامی در کارآمدسازی نظام مالیاتی «بررسی مقایسه‌ای میان وجوهات شرعی و مالیات حکومتی». *مطالعات فقه امامیه، سال پنجم، (۸)*، ۳۶-۷.

فراهانی‌فرد، سعید و موسوی، سیداسماعیل (۱۳۹۴). *مقایسه مالیات بر ارزش افزوده و مالیات‌های اسلامی مطالعه موردی خمس*. مجموعه مقالات نهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران.

کلانتری، علی‌اکبر (۱۴۱۶ق). *الجزیه و احکامها فی الفقه الاسلامی*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۰). *دولت و سیاست‌های اقتصادی*. دانشنامه امام علی (علیه‌السلام). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ماوردی، علی بن محمد (۱۴۰۹ق). *الاحکام السلطانیة و الولايات الدینیة*. محقق احمد مبارک بغدادی، کویت: مکتبه دار ابن قتیبه.

مجلسی، سیدمحمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. قم: مؤسسه الوفاء.

مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۲). *زمین در فقه اسلامی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق). *دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الإسلامیه*. قم: نشر تفکر.

مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و هاشمی‌شاهرودی، محمود (۱۳۸۷). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت (علیهم‌السلام)*. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه

اسلامی بر مذهب اهل‌بیت (علیهم‌السلام).

Atkinson, A. B. & others, (1995). *Public economics in action: the basic income/flat tax proposal*. Oxford University Press, USA.

Béland, Daniel & Morgan, Kimberly J. (2021). Béland, Daniel; Leibfried, Stephan; Morgan, Kimberly J.; Obinger, Herbert (eds.), "Governance", *The Oxford Handbook of the Welfare State*, Oxford University Press, 173–187.

Béland, Daniel; Morgan, Kimberly J.; Obinger, Herbert & Pierson, Christopher (2021), Béland, Daniel; Leibfried, Stephan; Morgan, Kimberly J.; Obinger, Herbert (eds.), "Introduction", *The Oxford Handbook of the Welfare State*, Oxford University Press, 1–19.

Blau, Joel (2003), *The Dynamics of Social Welfare Policy*. New York: Oxford University Press.

Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (2023b, September 23). welfare state, Retrieved from Encyclopedia Britannica, <https://www.britannica.com/money/topic/welfare-state>.

Buti, M.; D. Franco & L. R. Pench (2000). *Reconciling The Welfare State With Sound Public Finances And High Employment*. European Commission. Forward Studies Unit. Working Paper.

- Coe, D. T. & Dennis J. Snower (1997). International Monetary Fund. *IMF Staff Papers*, 44(1), March 1997.
- Crandall-Hollick, Margot L.; Gene Falk & Conor F. Boyle (2021, January 12). *The Earned Income Tax Credit (EITC): How It Works and Who Receives It*. Congressional Research Service.
- Eifert, Benn (2003). *The Political Economy of Fiscal Policy and Economic Management in Oil-Exporting Countries*, in Davis J. M. & et al, Fiscal Policy Formulation and Implementation in Oil-Producing Countries, International Monetary Fund.
- European Commission (2016). *Commission staff working document*, Strasbourg, 8.3.2016, SWD (2016) 51 final.
- Ezenagu, Alexander (2021). Boom or bust, extractives are no longer saviours: The need for robust tax regimes in Gulf countries. *The Extractive Industries and Society*, 8(2).
- Fitzpatrick, T. (1999). *Freedom and Security*. New York: St. Martin's Press.
- Friedman, M. (1962). *Capitalism and freedom*. The University of Chicago press, Reissued with new Preface 1982 Printed in the United States of America.
- Gentilini, Margaret Grosh & Jamele Rigolini, & Ruslan Yemtsov (2020). *Exploring Universal Basic Income*. Washington: International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank.
- Habibur, Rahman (2015, August 7). Bayt Al-mal and its role in economic development: a contemporary study. *Turkish Journal of Islamic Economics*. 2(2), 21.
- Hayes, Adam (2023, June 28). Welfare: Definition, Different Types, Who Qualifies, Reviewed by Eric Estevez, Fact checked by Kirsten Rohrs Schmitt, investopedia, Available at: <https://www.investopedia.com/terms/w/welfare.asp>
- Jawad, Rana (2013), IPR Policy Brief - Social protection policies in the Middle East and North African region (MENA): new priorities, new debates. University of Bath.
- Kagan, Julia (2023, September 29). Taxation Defined, With Justifications and Types of Taxes, Reviewed by Gordon Scott, Fact checked by Suzanne Kvilhaug, investopedia, Available at: <https://www.investopedia.com/terms/t/taxation.asp#citation-3>
- McLure, Charles E.; Fritz Neumark, & Maria S. Cox (2023, October 13). Taxation, Retrieved from Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/money/topic/taxation>.
- Moffitt, Robert A. (2003). The Negative Income Tax and the Evolution of U.S. Welfare Policy. *Journal of Economic Perspectives*, 17(3), 119-140.
- Mokry, Vladimír (2006), Taxes, taxation and the tax system. *National economy*, Volume XIV, 17-21.
- Morel, Nathalie & Joakim, Palme (2012). Financing the Welfare State and the Politics of Taxation, Bent Greve, The Routledge Handbook of the Welfare State, Routledge, 400-409.
- Newcomer, M. (1953). Financing the Welfare Program. *Social Service Review*, 27(1), 67-72. Available at: <http://www.jstor.org>.
- OECD (2022). Subsidies, Competition and Trade, OECD Competition Policy

- Roundtable Background Note, <http://www.oecd.org/daf/competition/subsidies-competition-and-trade-2022.pdf>
- Orszag, Jonathan Michael & Dennis J. Snower (1998). Expanding the welfare system: a proposal for reform, In: The welfare state in Europe: Challenges and reforms. Publ. of the Europ. Communities, Luxembourg. 101-117.
- Rolph, Earl R. (1967). The Case for a Negative Income Tax Device. *Industrial Relations: A Journal of Economy and Society*, 6(2), 155-165.
- Sapir, A. (2005, September 9). Globalisation and the Reform of European Social Models, Bruegel, This Policy Contribution was presented to the ECOFIN informal meeting in Manchester and can be downloaded in pdf version on www.bruegel.org.
- Schloemer, Paul (2009). *Clergy Tax Rules Extend Beyond Churches*. <https://www.thetaxadviser.com>.
- Sjöberg, O. (2000). Duties in the Welfare State. Working and paying for social rights. Swedish Institute for Social Research Dissertation Series No. 42.
- Snower, Dennis J. (2004). *Creating employment incentives*. In: Marin, Bernd Meulders, Danièle Snower, Dennis J. (Ed.): Innovative employment initiatives, Ashgate, Aldershot, 317-346.
- The Investopedia Team (2023, June 12). Subsidies: Definition, How They Work, Pros and Cons, Reviewed by Gordon Scott, Fact checked by Suzanne Kvilhaug, investopedia, available at: <https://www.investopedia.com>
- <https://dictionary.cambridge.org/>
- <https://www.healthcare.gov/>
- <https://www.irs.gov/>
- <https://www.usa.gov/>

References

- Abrishamkar, Siddiqeh and the Social History Group (2010). Kharaj 2; Historical Topics, in the Encyclopedia of the Islamic World, Vol. 15 (House - Khala'at), Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation. (In Persian)
- Al-Ghafouri, Khalid and Mustafa Ghafouri (1396). A step towards making the tax system more efficient: "A comparative study between religious aspects and government taxes", *Imami Jurisprudence Studies*, Vol. 5, No. 8. (In Persian)
- Atkinson, A. B. & others, (1995). Public economics in action: the basic income/flat tax proposal, Oxford University Press, USA.
- Bahreman, HamidReza (1401). Total Income Tax (7): How the Total Income Tax System Relates to the Subsidies System, Report of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly, No. 18622. (In Persian)
- Béland, Daniel; Morgan, Kimberly J. (2021). Béland, Daniel; Leibfried, Stephan; Morgan, Kimberly J.; Obinger, Herbert (eds.). "Governance", *The Oxford Handbook of the Welfare State*, Oxford University Press, pp. 173–187.
- Béland, Daniel; Morgan, Kimberly J.; Obinger, Herbert; Pierson, Christopher (2021). Béland, Daniel; Leibfried, Stephan; Morgan, Kimberly J.; Obinger,

- Herbert (eds.), "Introduction", The Oxford Handbook of the Welfare State, Oxford University Press, pp. 1–19.
- Blau, Joel (2003). The Dynamics of Social Welfare Policy, New York, Oxford University Press. pp 279-429
- Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (2023b, September 23). welfare state, Retrieved from Encyclopedia Britannica, <https://www.britannica.com/money/topic/welfare-state>.
- Buti, M. & D. Franco & L. R. Pench (2000). Reconciling The Welfare State With Sound Public Finances And High Employment. European Commission. Forward Studies Unit. Working Paper.
- Coe, D. T. & Dennis J. Snower (1997). International Monetary Fund. IMF Staff Papers. Vol. 44, No. 1. March 1997.
- Crandall-Hollick, Margot L. ; Gene Falk; Conor F. Boyle (2021, January 12). The Earned Income Tax Credit (EITC): How It Works and Who Receives It, Congressional Research Service.
- Eifert, Benn (2003). The Political Economy of Fiscal Policy and Economic Management in Oil-Exporting Countries, in Davis J. M. & et al, Fiscal Policy Formulation and Implementation in Oil-Producing Countries, International Monetary Fund.
- European Commission (2016). commission staff working document, Strasbourg, 8.3.2016, SWD (2016) 51 final.
- Ezenagu, Alexander (2021). Boom or bust, extractives are no longer saviours: The need for robust tax regimes in Gulf countries, The Extractive Industries and Society, Volume 8, Issue 2.
- Farahani Fard, Saeed and Seyyed Ismail Mousavi (1394). Comparison of Value Added Tax and Islamic Taxes: A Case Study of Khums, Collection of Articles of the Ninth Conference on Financial and Tax Policies of Iran. (In Persian)
- Fitzpatrick, T. (1999). Freedom and Security, New York: St. Martin's Press.
- Friedman, M. (1962). Capitalism and freedom, The University of Chicago press, Reissued with new Preface 1982 Printed in the United States of America.
- Gentilini, Margaret Grosh & Jamele Rigolini, & Ruslan Yemtsov (2020). Exploring Universal Basic Income. Washington: International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank.
- Gilak Hakimabadi, MohammadTaqi (1380). Government and Economic Policies, Encyclopedia of Imam Ali (a.s.), Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Habibur, Rahman (2015, August 7). Bayt Al-mal and its role in economic development: a contemporary study. Turkish Journal of Islamic Economics. 2 (2): 21.
- Hayes, Adam (2023, June 28). Welfare: Definition, Different Types, Who Qualifies, Reviewed by Eric Estevez, Fact checked by Kirsten Rohrs Schmitt, investopedia, Available at: <https://www.investopedia.com/terms/w/welfare.asp>
- Hosseini Ahaq, Maryam (1395). Zakat al-Fitr, in Encyclopedia of the Islamic World, Vol. 21 (Rey-Ziyarat). Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation. (In Persian)

- Hosseini, Seyyed Reza (1380). Bait al-Mal, in: A group of writers under the supervision of Ali Akbar Rashad, Encyclopedia of Imam Ali (a.s.), Vol. 7, Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute. (In Persian)
- Ibn Jamaa'ah, Badr al-Din (1408 AH). Tahrir al-Ahkam fi Tadbir Ahl al-Islam, Research, Study and Commentary by Fuad Abdul Moneim Ahmad, Qatar: Dar al-Thaqafah with the authorization of the Presidency of the Islamic Courts. (In Arabic)
- Jawad, Rana (2013). IPR Policy Brief - Social protection policies in the Middle East and North African region (MENA): new priorities, new debates. University of Bath.
- Kagan, Julia (2023, September 29). Taxation Defined, With Justifications and Types of Taxes, Reviewed by Gordon Scott, Fact checked by Suzanne Kvilhaug, investopedia, Available at: <https://www.investopedia.com/terms/t/taxation.asp#citation-3>
- Kalantari, AliAkbar (1416 AH). Al-Jaziya and its Rules in Islamic Jurisprudence, Qom: Al-Nashr al-Islami Foundation for the Association of Teachers. (In Arabic)
- Khoei, Seyyed Abu al-Qasim (1410 AH). Minhaj al-Salihin, Qom: Madinat al-Ilm. (In Arabic)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (1392a). Al-Tahrir al-Wasilah, Research by the Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Qom: The Ascension Institute. (In Arabic)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (1392b). Istifta'at Imam Khomeini (s.a.), Tehran: The Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah and Other Maraje's (1381). Explanation of the Maraje's Methods, Compiled by: MohammadHassan Bani Hashemi Khomeini; in collaboration with Ehsan Usuli, Qom: Qom Seminary Teachers' Association, Islamic Publications Office. (In Persian)
- Majlisi, Sheikh Mohammad Baqir, (1403 AH). Bihar al-Anwar, Qom: Al-Wafah Foundation. (In Arabic)
- Mawardi, Ali ibn Muhammad (1409 AH). Al-Ahkam al-Sultaniyyah and al-Wilayat al-Diniyah, Mohaqiq Ahmad Mubarak Baghdadi, Kuwait: Maktaba Dar Ibn Qutaybah. (In Arabic)
- McLure, Charles E. & Fritz Neumark, & Maria S. Cox (2023, October 13). Taxation, Retrieved from Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/money/topic/taxation>.
- Modarresi Tabatabaei, Hussein (1362). Land in Islamic Jurisprudence, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. (In Persian)
- Moffitt, Robert A. (2003). The Negative Income Tax and the Evolution of U.S. Welfare Policy, Journal of Economic Perspectives, 17 (3): 119–140.
- Mokrá, Vladimír (2006). Taxes, taxation and the tax system, National economy, Volume XIV, pp: 17-21.
- Montazeri, HusseinAli (1415 AH). Studies in the Authority of the Faqih and the Jurisprudence of the Islamic State, Qom: Publishing Thought. (In Arabic)
- Morel, Nathalie & Joakim Palme (2012). Financing the Welfare State and the Politics of Taxation, Bent Greve, The Routledge Handbook of the Welfare

- State, Routledge, pp.400-409.
- Najafi (Sahib Jawaher), Muhammad Hassan (1983). Jawaher al-Kalam fi Sharh Shara'e al-Islam, edited by Abbas Quchani and Ali Akhundi, Beirut, Darahiya al-Turaht al-Arabi. (In Arabic)
- Newcomer, M. (1953). Financing the Welfare Program. Social Service Review, 27(1), 67-72. Available at: <http://www.jstor.org>.
- OECD (2022). Subsidies, Competition and Trade, OECD Competition Policy Roundtable Background Note, <http://www.oecd.org/daf/competition/subsidies-competition-and-trade-2022.pdf>
- Orszag, Jonathan Michael & Dennis J. Snower (1998). Expanding the welfare system: a proposal for reform, In: The welfare state in Europe: Challenges and reforms. Publ. of the Europ. Communities, Luxembourg. pp. 101-117.
- Rezaei, MohammadJavad and Mahdi Movahedi Beknazar (1401). Institutional Foundations of Just Tax Governance; An Islamic Approach, Islamic Economic Studies, Vol. 14, No. 2. (In Persian)
- Rolph, Earl R. (1967). The Case for a Negative Income Tax Device, Industrial Relations: A Journal of Economy and Society, Volume 6, Issue 2, P: 155-165.
- Sadr, Imam Musa (2005). Religions in the Service of Man (Essays on Religion and Contemporary World Issues). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural-Research Institute. (In Persian)
- Sajjadi, Sadeq (1399). Bayt al-Mal, Great Islamic Encyclopedia, Center for the Great Islamic Encyclopedia, available on the website of the Center for the Great Islamic Encyclopedia. (In Persian)
- Sapir, A. (2005, September 9). Globalisation and the Reform of European Social Models, Bruegel, This Policy Contribution was presented to the ECOFIN informal meeting in Manchester and can be downloaded in pdf version on www.bruegel.org.
- Schloemer, Paul (2009). Clergy Tax Rules Extend Beyond Churches, <https://www.thetaxadviser.com>.
- Sharifzadeh, MohammadJavad and Hamidreza Bahreman (2010). Comparative Analysis of Universal Basic Income in Orthodox Economics and Livelihood Guarantee in Islamic Economics, Islamic Economics, Vol. 20, No. 79. (In Persian)
- Sjöberg, O. (2000). Duties in the Welfare State. Working and paying for social rights. Swedish Institute for Social Research Dissertation Series No. 42.
- Snower, Dennis J. (2004). Creating employment incentives, In: Marin, Bernd Meulders, Danièle Snower, Dennis J. (Ed.): Innovative employment initiatives, Ashgate, Aldershot, pp. 317-346.
- Sobhi, Saleh (1995). Nahj al-Balagha, Qom: Al-Bohoos al-Islamiyya Center. (In Arabic)
- Tabatabaei Yazdi, Seyyed MohammadKazem (1420 AH). Al-Urwa al-Wathqi, Qom: Al-Nashr al-Islami Foundation affiliated with the Jama'at al-Mudrasin. (In Arabic)
- Tavakoli, MohammadJavad and Hossein Bahreini (2015). Common Taxes versus Religious Taxes in the Islamic Tax System, Tax Research Journal,

23(25). (In Persian)

The Encyclopedia of Islamic Jurisprudence on the Doctrine of the Prophet and Mahmoud Hashemi Shahroudi (2008). The Encyclopedia of Jurisprudence According to the Doctrine of the Prophet , Qom: The Encyclopedia of Islamic Jurisprudence on the Doctrine of the Prophet (PBUH). (In Persian)

The Investopedia Team (2023, June 12). Subsidies: Definition, How They Work, Pros and Cons, Reviewed by Gordon Scott, Fact checked by Suzanne Kvilhaug, investopedia, available at: <https://www.investopedia.com>

The Office of Cooperation between the Seminary and the University (1379). Fundamentals of Islamic Economics, Tehran: Samt,. (In Persian)

Turahi, Fakhr al-Din (1983). Majma' al-Bahrain, Ahmad al-Husseini's research, Tehran: Mortazavi. (In Arabic)

Tusi (Sheikh), Muhammad ibn Hassan (1387 AH). Al-Mabsut fi fiqh al-Imamiyah, authored by Muhammad Baqir Behbudi, Tehran: Al-Muktabat al-Murtazawiya l-lhya al-Athar al-Ja'fariyyah. (In Arabic)

<https://dictionary.cambridge.org/>

<https://www.healthcare.gov/>

<https://www.irs.gov/>

<https://www.usa.gov/>

